

احکام و تعالیم فردی - نهی تأویل کلمات الهی

حضرت بهاء الله



نهی از تأویل کلمات الهی

حضرت بهاء الله:

1 - " إِنَّ الَّذِي يُؤْوِلُ مَا نُزِلَ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ وَيُخْرِجُهُ عَنِ الظَّاهِرِ إِنَّهُ مِّنْ حَرْفِ كَلِمَةِ اللَّهِ الْعُلْيَا وَكَانَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ "

(کتاب اقدس - بند 105)

2 - " وَمِنْهُمْ مَنْ يَدَّعِي الْبَاطِنَ وَبَاطِنَ الْبَاطِنِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَذَّابُ تَلَّهِيَ مَا عِنْدَكَ إِنَّهُ مِنَ الْقُشُورِ تَرَكَهَا لَكُمْ كَمَا تَتْرَكُ الْعِظَامُ لِلْكَلابِ " (کتاب اقدس - بند 36)

3 - " مقصود از تأویل اینکه از ظاهر خود را محروم ننمایند و از مقصود محتجب نمانند . مثلاً اگر از سماء مشیت فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ نازل شود تأویل ننمائید که مقصود از غُسل ، غُسل وجه باطن است و باید بآب عرفان او را غُسل داد و طاهر نمود و امثال آن ... آیاتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و دیات و جنایات و امثال آن مقصود عمل بظاهر آیات بوده و خواهد بود و لکن آیات الهی که در ذکر قیامت و ساعت چه در کتب قبل چه در فرقان نازل شده اکثر مؤولست و لَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ این مراتب در کتاب ایقان واضح و مبرهن ایست هر نفسی در آن تفکر نماید آگاه شود بر آنچه از نظر کلّ مستور بوده "

(مجموعه اقتدارات در اشاره به آیه 7 سوره آل عمران ص 29 و 284)



TABLET

4 - " آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحاً معلوم و واضح است و احدی بتأویل کلمات الهیه مامور نبوده و نخواهد بود نشهد ان الْمُؤَلِّينَ فِي هَذَا الْيَوْمِ هُمُ الْمُتَوَهِّمُونَ". (امر و خلق، جلد 3 ص 451)

5 - " الیوم یوم تأویل نیست چه که اریاح تصریح در مرور است " (امر و خلق، جلد 3 ص 446)

6 - " باید بجمال استقامت بر امرالله قیام نمائید و آنچه نازل شده برحسب ظاهر عامل شوید ".

(۳۴۱ گنجینه حدود و احکام ص 341)

7 - " تأویل کلمات حمایت ازلیه را جز هیاکل ازلیه ادراک نمایند " (کتاب مستطاب ایقان)

8 - " کلمه الهیه را تأویل مکنید و از ظاهر آن محبوب ممانید چه که احدی بر تأویل مطلع نه الا الله و نفوسی که از ظاهر کلمات غافلند و مدعی عرفان معانی باطنیه، قسم باسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عامل و باطن را آمل اند " (ص ۳۴۰ گنجینه حدود و احکام و با دو تفاوت جزئی در ص ۴۵۳ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " از جمله وصایای حتمیه و نصایح صریحه اسم اعظم این است که ابواب تأویل را مسدود نمائید و بصریح کتاب یعنی بمعنی لغوی مصطلح قوم تمسک جوئید ". (گنجینه حدود و احکام ص 341)

بیت العدل:

1 - " این آیه اشاره است به کسانی که مدعی علم باطن هستند و تعلق شدیدشان به چنین علمی آنها را از شناسائی مظهر الهی ممنوع می سازد . در جای دیگر جمال مبارک می فرمایند : نفوسی که به اوهام خود معتکف شده اند و اسم آن را باطن گذاشته اند فی الحقیقه عبده اصنامند . " (کتاب اقدس - شرح 60)

2 - " حضرت بهاءالله در بسیاری از الواح تفاوت بین آیات متشابهات و آیات محکات را بیان فرموده اند . متشابهات آیاتی است که قابل تأویل است و محکات اوامر الهی است که معنای آنها واضح و اهل بهاء مأمور به اجرای آنها هستند . همان طور که در یادداشتهای شماره ۱۴۵ و ۱۸۴ توضیح داده شده ، حضرت بهاءالله فرزند ارشد خود ، حضرت عبدالبهاء ، را جانشین و مبین منصوب تعالیم خویش منصوب فرمودند . حضرت عبدالبهاء نیز حفید ارشدشان ، حضرت شوقی افندی ، را بعد از خود به سمت مبین آیات و ولی امرالله معین فرمودند . اهل بهاء آنچه را که حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین فرموده اند هدایت الهیه میدانند و

قبولش را از فرایض حتمیه خود می شمارند . اما این نصوص قاطعه مانع از این نیست که افراد احباء از مطالعه و غور و تعمق در آثار الهی و حصول استنباطات شخصی خودداری نمایند ، ولی البتّه مطابق بیانات مبارک که فرق و تمایزی فاحش بین نصوص قاطعه و استنباطات شخصیّه موجود است . آنچه افراد از بیانات مبارک بر حسب فهم و ادراک خویش استنباط نمایند نتیجه فکر بشری است و هر چند ممکن است در کشف حقایق امریه مؤثر و مفید باشد ولیکن فاقد اعتبار و سندیت است . از این رو به افراد احباء اکیداً تذکر داده شده که در اظهار نظر و ابراز عقاید خود همواره آیات منزله را حجت دانند و فصل الخطاب شمارند و به انکار تبیینات منصوبه پردازند و معارضه نمایند و راه جدل در پیش نگیرند بلکه نظریّات خود را به عنوان خدمتی به توسعه معارف عرضه داشته تصریح نمایند که آنچه اظهار می دارند نظریّات شخصیّه آنان است . " (کتاب اقدس - شرح 130)